

حقوق گردشگری مذهبی؛ با تأکید بر حقوق سالمند «به مثابه زائر بقیع»

سیدمحسن قائمی خرق^۱

چکیده

گردشگری مذهبی، مبتنی بر مجموعه‌ای از قواعد و انگاره‌های حقوقی است که به رغم اهمیت، کمتر به بحث و گفت‌وگو واگذار شده و مجموعه‌ای منضبط و احصاشده ندارد. از همین رو مسئله و ضرورت این نوشته را می‌توان در تحلیل و استقرای حقوق سالمندان به مثابه زائران بقیع دانست؛ بخصوص که گاه سالمندان، انبوه عظیمی از زائران بقیع را شکل می‌دهند. در این نوشته، سالمندی، بیش از آنکه عارضه‌ای شخصی و بیولوژیک قلمداد شود، وضعیتی آسیب‌پذیر در فرآیند زیارت مطرح می‌شود که نیازمند درج حقوقی ویژه نسبت به سالمندان و تکالیفی بر عهده دولت‌های زائرپرست، دولت عربستان و زائران است. نوشته توصیفی-تحلیلی پیش رو، به این نتیجه دست می‌یازد که سالمند، مبتنی بر ادله‌ای چون مصلحت و کرامت و نیز اصل برابری و منع تبعیض، از حق زیارت برخوردار است. همچنین در این نظم حقوقی، حق سلامت، تبعیض مثبت، تسهیل در دسترسی، تخفیف و حریم خصوصی، انگاره‌هایی است که باید مد نظر دولت میزبان زائر سالمند (عربستان)، و نیز مواردی چون اولویت در تخصیص منابع دولت‌های فرستنده مد نظر دولت فرستنده زائر سالمند قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: سالمند، حقوق گردشگری مذهبی، حق زیارت، تعهد به ایفا، تعهد به

احترام.

۱. استادیار مدعو دانشگاه علوم اسلامی رضوی و استاد حوزه علمیه قم (m.ghaemi313@gmail.com).

مقدمه

مسئله پیری جمعیت یا به عبارت دقیق‌تر وجود اقلیت سنی سالمند^۱ بر ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. بر همین اساس صاحب‌نظران رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی و انسانی، از ابعاد گوناگونی به بررسی این مسئله پرداخته‌اند. (Frolik, 1999, 15) حقوق سالمندان نیز جزو شاخه‌های اساسی و زیربنایی در این خصوص است که در آن، حقوق و تکالیف متنوعی برای سالمندان، دولت‌ها (در قالب فقه حکومتی)، شهروندان دیگر (در سیاق وجوب عینی و کفایی و نیز اخلاقی) و سازمان‌های غیر دولتی (بر مبنای وجوب تعاون بر بر، امر به معروف، تکافل و تضامن اجتماعی و...) مقرر شده است. نظام حاکم بر تشریح و نیز تجربه بشری، توأمان نشان داده‌اند که نمی‌توان مقوله گردشگری مذهبی را با اتکای صرف اخلاقی در اجتماع توسعه بخشید و حمایت کرد؛ (قائمی، ۱۳۹۷، ۲۲۵). در میان انواع و مقاصد گردشگری مختلف، «تشریف به بقیع» را نمی‌توان به سکوت حقوقی و ساحت اخلاقی، واگذار کرد. در میان گردشگران مذهبی مختلف، برخی گروه‌ها نیز به طور ویژه نیازمند حمایت حقوقی هستند؛ این نیازمندی عمدتاً به دلیل ناتوانی جسمی و روانی در برخی رده‌های سنی گردشگر است. برای نمونه، در تشریف به حج و بقیع، عمده زائران در گروه سنی سالمند هستند و از این رو نمی‌توان حقوق سالمندان در زیارت بقیع و تکالیف دولت میزبان و یا دولت زائرپرست را امری حل شده دانست و یا در درجه اهمیت پایین قرار داده و صرفاً به اخلاق و آداب واگذار نمود.

اگرچه در حوزه پژوهشی، اثری نسبت به حقوق سالمندان در زیارت بقیع

1. Older People.

نگاشته نشده، در حیطة اسناد الزام‌آور نیز هیچ معاهده بین‌المللی فراگیر درباره حقوق گردشگری مذهبی و به‌ویژه حقوق زیارت سالمندان منعقد نشده است؛ با این وجود، برخی از این حق‌ها را می‌توان ذیل عموماًت اسناد بین‌المللی - نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره و میثاقین - مطرح کرد؛ گرچه محتوای حق‌های بیان‌شده در این نوشتار می‌تواند در قالب سندی غیر الزام‌آور، ابتدا به ایجاد و تقویت یک گفت‌وگو و تفکر منجر، و سپس (و در راستای توسعه حقوق گردشگری مذهبی) توسط کشورها به یک معاهده الزام‌آور تبدیل شود. (Hillgenberg, 1999, 415)

در ادامه، نخست به مفهوم‌شناسی و بیان مختصر حقوق گردشگری در بقیع، و سپس، با مبناشناسی حقوق زیارت سالمندان در بقیع، به تبیین حقوق سالمندان به مثابه زائران بقیع می‌پردازیم.

مفاهیم و نظام حقوقی گردشگری در بقیع

۱. مفاهیم

الف) زیارت

«زیارت» از ریشه «زور»، به معنای میل به چیزی (ابن فارس، ۱۴۱۱ق، ص ۳۶) و به دیدار کسی رفتن است؛ (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۲۱) همچنان‌که واژه «زرت» در آیه شریفه ﴿أَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ (تکاثیر: ۲) به همین معنا آمده است. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۸ش، ج ۲۷، ص ۲۷۶)

زیارت در اصطلاح، تمایلی است که افزون بر حرکت حسی، قلب هم نسبت به زیارت‌شونده گرایش شدید پیدا کند و با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی نیز همراه باشد. (طریحی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۵) بنابراین زیارت همراه با مناسک ویژه و نیت معنوی است (Kaszowski, 2000, 75-80) و به عنوان کنشی معطوف به ارزش و در راستای تقرب به خداوند از راه پذیرش سختی راه و

هزینه سفر (و در نبود عقلانیت ابزاری) شناخته می‌شود. (بهروان، ۱۳۸۰ش، ص ۱۰۲) دال مرکزی گفتمان زیارت، ایمان است و بر همین اساس همه کردار زائر جنبه الوهی به خود می‌گیرد. (Bauman, 1996, 22)

ب) سالمندی

سالمندی فرآیندی است که بر اساس آن، افراد با گذشت زمان به تدریج، تغییراتی را از جهات بیولوژیکی، اجتماعی و روانشناختی تجربه می‌کنند. سالمندی را گاه می‌توان بر اساس مقیاس سنی شناخت (سالمندی تقویمی^۱) و گاه بر مبنای اختلالاتی که به تدریج در سیستم فیزیولوژیکی بدن در اثر افزایش سن وجود آمده (سالمندی بیولوژیکی^۲). همچنین گاهی مفهوم روان‌شناختی سالمندی از طریق تأکید بر تغییرات فرآیندهای ادراکی، حسی و عملکرد ذهنی و شخصیت فرد و ظرفیت سازگاری فرد با محیط معیار شناخته می‌شود (سالمندی روانشناختی^۳). (Phillips & Ajrouch, 2010, 12-13) مفهوم سالمندی اجتماعی^۴ نیز به تجارب و تغییرات در نقش‌ها و روابط فرد با دیگران در زمینه اجتماعی و فرهنگی توجه دارد. (Morgan & Kunkel, 2007, 5)

با این وجود در حال حاضر رویه معینی برای تعیین سن سالمندی وجود ندارد و هر یک از اسناد بین‌المللی به صورت مستقل به تعیین ملاک‌های سالمندی اقدام کرده‌اند. (غلامی پاجی و یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰) عموم این اسناد، سنین ۶۰ تا ۶۵ سال را زمان سالمندی دانسته‌اند. طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، سالمندی عبور از مرز شصت سالگی است و برای تمام افرادی که از اتفاقات زندگی جان سالم بدر برده و جوانی و میانسالی را پشت

1. Chronological ageing.
2. Biological ageing.
3. Psychological ageing.
4. Social ageing.

سر گذاشته‌اند، این دوران محقق می‌شود. (مقصودنیا، ۱۳۸۵، ص ۳۹)

۲. نظام حقوقی گردشگری در بقیع

در خصوص ماهیت فقهی منطقه بقیع، عموم فقها مقابر را در دسته اراضی‌ای قرار می‌دهند که در ملک کسی نیست و برای حقوق عامه مردم محبوس است؛ (حلی، بی تا، ص ۴۰۵) در حقیقت نوعی اشتراک در انتفاع این سرزمین وجود دارد که هر کس می‌تواند در بهره‌برداری سهم و شریک شود. بنابراین ماهیت این قبرستان را می‌توان مشترکات عامه یا اموال عمومی با کاربرد خدمات عمومی دانست که جهت استفاده عموم مردم در راستای برآورده‌سازی یک هدف و کاربری مشخص اختصاص یافته است.

البته انگاشت این منطقه به عنوان منطقه مشترک، به معنای نفی حقوق جمعی و همبستگی واقع بر این منطقه نخواهد بود. خطرات مشترک گروهی و تعلق آن به بقیع، ماهیت حقوق در این منطقه را در زمره حقوق جمعی و همبستگی قرار می‌دهد.

با وجود فقدان سندی مستقل دال بر حق گردشگری مذهبی، برخی از اسناد به اشعار یا به صراحت چنین حقی را مقرر کرده‌اند؛ چنان‌که در ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر شده است: «هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد». بند الف ماده ۲۱ حقوق بشر اسلامی قاهره نیز بیان می‌دارد: «هر انسانی حق دارد که آزادانه از محلی به محل دیگر منتقل شود و محل اقامت خود را در شهرها و کشورهای اسلامی یا خارج از آنها در موقع ضرورت انتخاب کند». گرچه عربستان به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیپوسته، ولی دلالت‌های حقوق گردشگری در این سند (در ماده ۷ میثاق) و نیز برخی اسناد غیر الزام‌آور پشتوانه تفسیر توسعه‌گرایانه این ماده می‌تواند تردیدها در عرفی بودن این حق و الزامات آن را از بین برد. اعلامیه مانیل در مورد گردشگری جهانی (۱۹۸۰)، با

تأکید بر حق گردشگری، نقش آن را در «ارتقای کیفیت زندگی» و «صلح و تفاهم بین‌المللی» مطرح می‌سازد. برابر این سند، کشورها باید تمهید منابع توریسم به عنوان میراث بشریت را در قوانین و مقررات خود بگنجانند.

گرچه در این اسناد به مفهوم حق‌های گردشگری و ماهیت آن اشاره‌ای نشده، ولی حقوق بشر حاکم بر گردشگری حق‌هایی هستند که گردشگر در هویت گردشگر و پیش از آن به مثابه موجود زیستی، از آنها برخوردار است. در حقیقت تمتع از این حقوق نه تنها در ذات گردشگر نهفته، بلکه لازمه زیست وی به عنوان گردشگر است.

از دیدگاه دینی نیز مشروعیت حق گردشگری مذهبی در قالب زیارت ائمه بقیع، امری مستحب مؤکد و متواتر در اخبار است. (عاملی موسوی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۷۸) ماهیت تکالیف دولت زائر فرست و عربستان و نیز حقوق زائران، بر مبنای این مشروعیت و سازه «حقوق جمعی» و «اشتراکی بودن ماهیت بقیع» است و در این نظام، زائر از حقوق متعددی - از جمله حق حیات، آزادی اظهار و انجام مناسک زیارتی، حق ابراز هویت تمدنی، حق برخورداری از رفتار برابر و حق دسترسی به اطلاعات - برخوردار است.

مبانی حقوق سالمندان در زیارت

حقوق سالمندان در زیارت مبتنی بر مبانی متعددی است؛ از جمله اشتراکی بودن ماهیت فقهی قبرستان بقیع که مستلزم تمهید مقدمات و امکانات برای تحقق بهره‌مندی این قشر آسیب‌پذیر از سرزمین بقیع است. حقوق جمعی و همبستگی نیز همین گزاره و پیامد را ایجاب می‌کند.

صاحب التحقیق در معنای کرامت می‌نویسد: «کرامت، عزت و برتری در خود شیء است و در آن استیلایی نسبت به غیر که آدون از آن باشد، ملحوظ نیست». (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ۱۰، ۴۶) بر اساس همین معنا، در حقیقت، نظام حقوق گردشگری، باید در تکاپوی استقرار کرامت و تجلی آن در تصمیمات و

ساختار مدیریتی و رفتار باشد و نباید، فرد را در مقایسه با غیر در نظر گیرد؛ چراکه اساساً کرامتی که توضیح داده خواهد شد، با تبعیض و تفاوت سرستیز دارد و احقاق کرامت در حق یکی، به معنای نفی آن و یا کم‌رنگی احقاق آن در حق دیگری نیست.

معنای بیان‌شده مقتضی نفی سیطره و زعامت یکی بر دیگری است. همچنان‌که از متون اسلامی فهمیده می‌شود کرامت ذاتی مقتضی برابری انسان‌ها و اصل هم‌شأنگی است؛ به دیگر تعبیر، سن و مسائلی از این قبیل سبب تفاوت آدمیان نمی‌شود، بلکه از حیث «ذاتی» (کرامت ذاتی)، همه در یک رتبه قرار دارند و از قضا، سالمندی از باب برخورداری به مثابه برابر از حقوق گردشگری، لوازم و حق‌های ویژه‌ای را می‌طلبد که در راستای تبعیض مثبت فهم خواهد شد. در گزاره‌های دینی به کرامت و تبجیل سالمند بسیار تأکید شده است؛ از جمله:

– رسول خدا ﷺ فرمود: «بزرگ شمردن ریش سفید، بزرگ شمردن خداست». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶۵)

امیر مؤمنان ﷺ در وصیت خود به امام حسن ﷺ فرمود: «با خردسالان خانواده‌ات مهربان باش و پیرانشان را بزرگ شمار». (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۸) همچنین امام سجاد ﷺ می‌فرماید:

و اما حق الکبیر فان حقه توقیر سنه و اجلال اسلامه اذا کان من اهل الفضل فی الاسلام بتقدیمه فیه و ترک مقابله عند الخصام و لاتسبقه الی طریق و لاتومه فی طریق و لا تستجهله و ان جهل علیک تحملت و اکرمته بحق اسلامه مع سنه فانها حق السن بقدر الاسلام و لا قوة الا بالله. (رساله حقوق امام سجاد، حق شماره ۴۳)

بنابراین باید حرمت سالمند نگاه داشته شود، سوابق او در اسلام آوردن مورد تجلیل قرار گیرد و مقدم داشته شود، خصمانه با وی برخورد نشود، در راه رفتن بر وی سبقت گرفته نشود، نادان شمردن نشود و رفتار جاهلانه او برای حق مسلمانی و سنش مورد تحمل قرار گیرد؛ زیرا حق سن او به اندازه حق مسلمانی است.

– امام رضا علیه السلام نیز فرمود: «پیرمردان را بزرگ و محترم بدارید؛ زیرا احترام به آنان به منزله احترام به مقام الهی است». (مجلسی، ۱۳۷۱، ج ۷۵، ص ۱۳۶)

کرامت سالمند، افزون بر آنکه مبنای سایر حقوق سالمند در زیارت قرار می‌گیرد، پیامدهای گوناگونی در حوزه مدیریت و جامعه‌شناسی زیارت به دنبال دارد؛ توضیح اینکه رضایت گردشگر یک عامل پیش‌نیاز اصلی در موفقیت مقاصد گردشگری است. (Song, Veen & Chen, 2012, 460) همچنین گرچه ویژگی‌های قبرستان بقیع، نوعی ارتباط احساسی و عاطفی قوی با مقصد گردشگری ایجاد می‌کند (حس تعلق عاطفی)، (Kyle, 2004, 210) ولی احساس تعلق کارکردی-یعنی احساس تعلق گردشگر به مقصد گردشگری که حکایت از کارآمدی مقاصد گردشگری برای گردشگران دارد (Prayag, 2012, 345) – متأثر از تبجیل و تکریم زائر سالمند خواهد بود.

حقوق سالمندان در زیارت بقیع

۱. حق زائران به شهر

حق به شهر به «درخواست برای دسترسی تحول‌یافته به زندگی شهری» شناخته می‌شود. (Kofman, 1996, 158) طبق این معنا، حق به شهر پیش از آنکه حقی فردی باشد، حقی اشتراکی است؛ (Harvey, 2008, 23) توضیح اینکه خصلت اساسی و جوهرین حقوق بشر، «فردگرایی» است و اساساً محصول فردگرایی که نظریه حقوق بشر در صدد ایجاد آن است، جامعه‌ای است که در آن انسجام اجتماعی کاملاً کاهش یافته است. (کسوله، ۱۳۸۴، ص ۸۱۶) بدیهی است که با توجه به چنین مفروضاتی، مراد از اشتراکی بودن، هماهنگی و اقتدار جمعی مردم برای بازشکلدهی به فرآیندهای شهری از سوی حکومت نیست؛ بلکه منظور حقوقی به نفع همگان است؛ فارغ از برخی منهای دیگری.

طبق این تفکر، شهر باید برای همه مردم راهی را باز کند که امکانی برای ساختن محیط‌هایی برای خودشان و در عین حال استفاده از آنها داشته باشند.

این حق، به جای توجه به «تابعیت و شهروندی رسمی در برخورداری»، همه حاضران - اعم از زائران خارجی و تابعان، همه جنیست‌ها، نژادها، عقاید، ادیان، احزاب و... - را برخوردار می‌داند. این حق، ابعاد مختلفی دارد که از جمله آنها حق انتفاع از شهر است. در این بعد، بشر - در معنای اعم از تابع و بیگانه - حق استفاده کامل از فضای شهری برای سکونت، بازی، کار و... را دارد. این گزاره در هنجارهای متعددی از اسناد حقوق بشری ظهور دارد؛ از جمله:

- ماده هفتم منشور جهانی حقوق بشر (آزادی و تمامیت): «هرکس حق آزادی و تمامیت جسمی و روحی دارد. شهرها ضمانت می‌کنند که حفاظتی را فراهم نمایند به منظور اینکه افراد یا نهادهای هر طبیعی از هر نوعی این حقوق را نقض نمایند».

ماده یازدهم منشور: «شهرها خود را متعهد می‌کنند که شرایط را برای امنیت عمومی، همزیستی مسالمت‌آمیز، توسعه جمعی و تمرین همبستگی فراهم سازند. به این منظور حق استفاده عمری و رقی شهر تا زمانی که تنوع و حفظ هویت فرهنگی و خاطره‌ای همه شهروندان بدون تبعیض رعایت می‌شود، تضمین می‌شود».

در همین راستا، ماهیت بقیع - همچنان که در جای خود اثبات شده - از قبیل اشتراکات عامه است (قائمی خرق، ۱۳۹۹ش، ق ۱۰۴) که حکومت نمی‌تواند آن را به اقطاع بدهد؛ یعنی امتیاز بهره‌برداری از آن را به شخص خاصی اعطا کند؛ زیرا همه افراد نسبت به آن مساوی هستند و دادن امتیاز به کسی، دیگران را از آن محروم می‌کند؛ (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ص ۲۳۷) چون خدا این مکان‌ها را به «اشتراک» گذاشته است. بنابراین حق به شهر (مدینه) و از جمله بقیع، اقتضای آن را دارد که زمینه دسترسی همگان و از جمله سالمندان از طریق مناسب‌سازی مبلمان شهری فراهم شود.

حق سالمند به شهر زائرپذیر، در پی آن است که «وقتی افراد معلول و سالمند به محیط غیر معلول و غیر سالمند دعوت می‌شوند، شکاف میان سالمند

و غیر سالمند هویدا نباشد. (Doyle, 1995, 65) این حق به مثابه کنشی برای گسترش حقوق زیارت و زیست سالمندان زائر و دستیابی به حقوق بشر است. بر این اساس افزون بر آنکه طراحی و مدیریت شهری مدینه باید تضمین‌کننده دسترسی زائران سالمند به قبرستان تاریخی بقیع باشد، هدایت متوازن و برابری- طلبانه کاربری زمین نیز باید به گونه‌ای باشد که دسترسی سالمندان به استفاده مشترک از بخش‌های مختلف قبرستان بقیع را تضمین کند.

بنابراین حق به شهر نمی‌تواند مترادف با رفع موانع فیزیکی در محیط ساخته شده باشد؛ بلکه گستره شمول این حق، طراحی قابل دسترس قبرستان و محیط پیرامون و حتی فراتر از آن، طراحی همه‌شمول را نیز شامل می‌شود. (The Convention..., 2014, 120) و مسائلی نظیر دسترسی آسان به وسایل نقلیه عمومی، ورودی‌های یکسان برای همه و نصب انواع راهنماهای صوتی، تصویری و لمسی را نیز در بر می‌گیرد.

البته حق ادعای به شهر، توسعه گردشگری مذهبی را نیز موجب می‌شود؛ به عبارت دیگر توسعه گردشگری هر کشور در گرو زمینه‌سازی حداکثری برای استفاده نیروهای مختلف انسانی، قابلیت‌ها و استعدادهای تک‌تک افراد جامعه از امکانات موجود در مبلمان شهری مدینه - از جمله قبرستان بقیع - است.

تسهیل دسترسی سالمند به مکان زیارتی و تناسب فضایی، امری برآمده از اصل آزادی حرکت و رفت‌وآمد گردشگر است؛ همچنان‌که صعوبت و امتناع آن نیز با عنوان «تبعیض سنی» قابل بررسی است؛ توضیح اینکه تبعیض سنی مشتمل بر سه مفهوم است: «اذیت و آزار، امر به تبعیض و مرعوب ساختن». (Ghosheh, 2008, 26) در حقیقت مدیریت زیارت بقیع، با ایجاد شرایط سخت یا رنج‌آور، به گونه‌ای فضای بقیع را برای زائران سالمند نامطلوب کند که یا زائر را از ورود و ادامه زیارت منصرف کند یا تصویر نامناسبی از مقصد گردشگری

1. Age Discrimination.

در ذهن او به نمایش گذارد. این حق را می‌توان تحت عنوان «عدالت اجتماعی در فضا» نیز مورد تأمل قرار داد.^۱

البته الگوی حقوق بشری سالمندان در عین توجه به امکان حمایت پزشکی از شخص سالمند و یا نیابت شخص ثالث در زیارت توجه دارد؛ ولی به دلیل اهمیت «تجربه شخصی این زیارت»، مشکل اصلی مقصد زیارت را در شیوه طراحی جامعه زیارت می‌داند و در پی آن است که سالمند با تکیه بر دو اصل «استقلال» و «مشارکت خویش» امکان بهره‌مندی از زیارت بقیع را داشته باشد.

ضرورت مناسب‌سازی فضا برای ادای اعمال مستحبی در روایات نیز اشاره شده است؛ همچنان‌که پیامبر ﷺ به شخص زمین‌گیری که ناتوانی خود را دلیل عدم حضور در مسجد بیان کرده بود، چنین فرمودند: «طنابی از منزلت به مسجد ببند و با کمک آن [به مسجد بیا و] در جماعت حاضر شو». (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۹۴) بنابراین به نظر می‌رسد مناسب‌سازی محیط که با استقلال سالمند نیز همسوست، بر مراقبت مؤسسه‌ای یا اجتماعی - که مستلزم استمداد از دیگری است و کرامت سالمند را خدشه‌دار می‌سازد - اولویت دارد.

همچنین می‌توان گفت نگرش شریعت در رفتار عبادی - اجتماعی نماز (نماز جماعت) و لزوم مراعات اضعف مأمومان، حکمی منحصر به عبادیات نیست و در حوزه مدیریت گردشگری نیز باید کیفیت دسترسی به مکان‌های زیارتی و چگونگی ارتباط مکان زیارت با آسیب‌پذیرترین زائران نیز مورد نظر قرار گیرد.

در حقیقت از مقدمات مهم کرامت انسانی اقلیت سنی زائر (سالمند)، داشتن استقلال فردی و کمینه‌گرایی در استمداد از دیگران است. (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۱۸۴) بنابراین تا حد امکان باید زمینه اعلام نیاز سالمند به دیگران در فرآیند زیارت - از طرقی نظیر مناسب‌سازی و تأمین دسترسی به زیارت - کاهش یابد. بنابراین مناسب‌سازی محیط و توانمندسازی سالمندان،

1. See: Martnez, 2005, 267.

تحقق «اصل استقلال»^۱ سالمنند خواهد بود. این اصل در قطعنامه شماره ۴۶/۹۱ مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (اصول ملل متحد برای سالمنندان) مقرر شده و در ماده ۴ آن، از لوازم تحقق اصل استقلال، دسترسی سالمنندان به برنامه‌های مناسب پرورشی و آموزشی عنوان شده است.

۲. حق بر سلامت^۲ سالمنندان زائر

همه‌ساله تعداد زیادی از مسلمانان جهت زیارت بقیع به کشور عربستان سفر می‌کنند. آنان به دلیل عواملی نظیر تراکم جمعیت، تغییر آب‌وهوا، تغییر نوع غذا، تغییر عادات زندگی فردی و استرس ناشی از دوری از خانواده، در معرض ابتلا به بیماری‌های مختلف تنفسی و گوارشی، عود یا تشدید بیماری‌های قلبی، انواع صدمات و مسمومیت‌های غذایی (ALGhamdi, 2003, 1075) بیماری‌های منگوکوی (Molling, 2001, 2696) و انواع صدمات و مسمومیت‌های غذایی (ALMazrou, 2004, 7) قرار می‌گیرند. از این رو حق سلامت سالمنندان زائر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

حق سلامتی زائر سالمنند، مفهومی برخاسته از کرامت انسانی، و در زمره حقوق بنیادین سالمنند است. این حق به عنوان اصل کلی پذیرفته‌شده در مورد گردشگران، گرچه در منشور ملل متحد تصریح نشده، ولی بند الف ماده ۵۵ منشور، سازمان ملل را به ارتقای استانداردهای بالاتر زندگی و یافتن راه حل‌های مسائل بین‌المللی مربوط به سلامتی ملزم می‌کند. حق سلامتی یا همان حق بهره‌مندی از استانداردهای مناسب زندگی، در اساسنامه سازمان جهانی بهداشت (۱۹۴۶) و نیز در بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) برای هر انسانی شناسایی شده است. این حق در اسناد دیگری همچون ماده ۵ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، ماده ۱۲ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک نیز مقرر شده است. در ماده ۲۵

1. Principle of Independenc.

2. The rights to health.

اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

الف) هرکس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده-اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوه-گی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش او از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود. روشن‌ترین مقرر در خصوص این حق، بند ۱ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) است که مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو میثاق، حق تمتع هرکس از بهترین حال سلامتی و روحی ممکن الحصول را به رسمیت می‌شناسند».

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سال ۲۰۰۰ میلادی، در تفسیر عمومی شماره ۱۴ ناظر به ماده ۱۲ میثاق، چهار عنصر ضروری را نسبت به حق سلامتی مطرح کرده است:

الف) در اختیار بودن؛^۱

ب) در دسترس بودن؛^۲

ج) قابل پذیرش بودن؛^۳

د) کیفیت.^۴

طبق این معیارها، در اختیار بودن حق سلامتی نسبت به سالمند به این معناست که تسهیلات پزشکی باید به مقدار و کیفیت کافی در مقصد گردشگری آماده باشد. قابل دسترس بودن نیز بدان معناست که تسهیلات باید در دسترس همگان - به ویژه سالمندان به عنوان قشر آسیب‌پذیر - بدون

1. Availability

2. Accessibility

3. Acceptability

4. Quality.

تبعیض‌های مبتنی بر ملیت، مذهب و... قرار گیرد. این دسترسی، بعد اقتصادی و توان پرداخت هزینه‌های درمان را نیز شامل می‌شود. قابلیت پذیرش نیز به معنای آن است که تسهیلات پزشکی به سالمندان باید با رعایت اخلاق پزشکی و در نظر گرفتن مسائلی نظیر فرهنگ سالمند و ملاحظه مقتضیات جنسیتی و اصول رازداری ارائه شود.

نکته مهم دیگر در خصوص حق سلامتی زائر سالمند این است که گرچه بعد سلامت جسمی مورد توافق است، ولی سلامت معنوی و روانی حتی اگر مورد توافق باشد و بتوان ذیل عموماً و اطلاعات حق بهره‌مندی از استاندارد مناسب زندگی آورد، منظور از آن دقیقاً مشخص نیست؛ برای نمونه آیا کارکرد و رفتار منطقی خوب، ملاک است یا رفتار همانند اکثر همگنان؟ یا آن‌چنان که برخی نوشته‌اند، آیا سلامت معنوی با ویژگی‌هایی مانند ثبات در زندگی، صلح و آرامش، تناسب و احساس نزدیکی با خدا، خویش، جامعه و محیط، قابل احراز است؟ (Moberg, 2008, 134)

به هر روی همان‌گونه که مطالعات گسترده در خصوص نسبت سالمندی و زیارت (گرایش‌های مذهبی) نشان می‌دهد، آثار زیارت افزون بر اینکه می‌تواند ذیل عنوان مصلحت، مبنایی برای اثبات حق زیارت سالمند قرار گیرد - ضوابطی را در خصوص مدیریت زیارت بقیع نسبت به دولت عربستان طرح می‌کند. بر این اساس باید نتیجه و پیامد حاصل از زیارت در سلامت و روان سالمند، احساس به‌باشی و رضایت باشد (حق سلامت معنوی زائر سالمند). ونیس و ونیتراب (۱۹۹۵) در پژوهشی روی ۴۰۰ آزمودنی به این نتیجه رسیدند که شرکت در زیارت و عبادت با کاهش اختلالات روانی شرکت‌کنندگان نسبت به سایر افراد همراه است. (رائی، ۱۳۸۲، ص ۷۴۴) همچنین زیارت موجب احساس امنیت خاطر می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۳)

همچنین زیارت و مداخلات معنوی-مذهبی می‌تواند به تجربه‌ها، رفتارها و ارزش‌های انسان‌ها معنا و ساختار منسجمی بدهند، احساس شکست را از

سالمند بزدايند (Zhang, 2015, 105) و آشفته‌گی‌های روانی سالمندان را کاهش دهند. (Barrera & etc, 2012, 69) همچنين زیارت باعث می‌شود سالمندان بتوانند در برابر مشکلات زندگی احساس سرسختی کنند و بتوانند به دلیل حفظ روحیه به شادکامی دست یابند. (Koenig, 2012, 6; Pargament & etc, 2000, 519)

البته حق جهانشمول هر انسان بر سلامتی جسمی و معنوی، ماهیت قراردادی و معاهده‌ای ندارد تا بتوان تنها دولت‌های عضو را نسبت به این حق، ملزم کرد و عربستان را از برخی جهات غیر متعهد دانست؛ بلکه حق بر سلامتی زائر و سالمند، جزو حق‌های بنیادی بشری است که همه کشورها در قبال تأمین آن متعهد هستند.

ماهیت تعهد کشورها به حق سلامت زائر سالمند، مشمول همان الگوی سه‌ضلعی تحلیل ماهیت تعهد کشورها در خصوص حقوق بشر است. این الگوی سه‌ضلعی عبارت است از:

– تعهد به احترام:^۱ تعهد به عدم ایجاد مانع و محدودیت در برخورداری از حق سلامت (toebes, 1999, 661)؛ برای نمونه: احتراز از اجرای رویه تبعیض-آمیز به عنوان خط مشی دولتی نسبت به درمان شیعیان؛ تعهد به عدم جای‌گیری سالمندان در انتهای صف دریافت کمک‌های دارویی و پزشکی، به هر دلیل؛ تعهد به خودداری از بازارسازی داروهای ناسالم و دارای عوارض برای گروه-های سالمند؛ تعهد به احتراز از سانسور، دریغ داشتن، یا ارائه نادرست و عمدی اطلاعات مربوط به سلامتی سالمندان؛ تعهد به اجتناب از آلوده ساختن هوا، آب و خاک محیط زیارت برای گروه‌های سالمند زائر.

– تعهد به حمایت:^۲ این بعد به حمایت از فرد در برابر تجاوز طرف ثالث به ویژگی‌های «اختیار بودن»، «در دسترس بودن»، «مقبول بودن»، و «کیفیت تسهیلات» مربوط می‌شود. همچنین اطمینان از اینکه هیئت پزشکی زائران و

1. Obligation to Respect.

2. Obligation to Protect.

پرستاران آنها در بخش سلامت، حائز معیارهای مناسب تحصیلی، مهارتی و اخلاقی باشند نیز به «تعهد به حمایت» برمی‌گردد.

– تعهد به اجرا: این بعد به انجام دادن اقداماتی ضروری برای برآورده‌سازی نیازهای حوزه سلامت سالمندان مربوط می‌شود. (Eide, Asbyorn, 2001, 79) گرچه اقتضای حق سلامتی، دریافت مستقیم و رایگان تسهیلات سلامتی نیست، ولی این حق به وجود شرایط و تسهیلات کافی وابسته است. بنابراین این حق در مورد سالمندان، به دلیل آنکه گاهی توان تأمین تسهیلات را ندارند، به معنای ارائه رایگان این تسهیلات خواهد بود.

به نظر می‌رسد بتوان از فحوای نظر کلی شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲، ماهیت حق بر سلامت زائر سالمند را برخلاف انسان‌های سالم و عادی، در درجه اول، تعهد به ایفا دانست و نه تعهد به احترام و حمایت. در همین راستا بند ۲ ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اقداماتی ضروری مقرر کرده است؛ از جمله: بهبود بهداشت محیط از جمیع جهات، پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر، بومی، حرفه‌ای و ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری.

در نهایت باید دانست که برخی اقدامات در راستای حق بر سلامتی سالمند – نظیر واکسیناسیون و ایمن‌سازی در برابر بیماری‌های مسری – بر عهده دولت فرستنده زائر سالمند است؛ ولی عمده این اقدامات – نظیر بهداشت محیط – بر عهده دولت عربستان است. بدیهی است در صورتی که به دلیل عدم اعمال حق بر سلامت، خساراتی متوجه زائران گردد، به موجب طرح مسئولیت

1. Obligation to Fulfill.
2. See: COMMITTEE ON ECONOMIC, SOCIAL AND CULTURAL RIGHTS, General Comment No. 14, The Right to the Highest attainable Standard of Health, (2000), E/C.12/2000/4.

بین‌المللی دولت‌ها، جبران خسارت از جمله آثار و نتایج تخلف دولت عربستان است. (حسینی و محمدزاده، ۱۳۹۹ش، ص ۱۴۴)

البته نمی‌توان تعهد به مساعدت و همکاری بین‌المللی (بند ۳ ماده ۱ منشور و بند ۱ ماده ۲ میثاق) را - در راستای تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان - نادیده انگاشت. در واقع گستردگی و تنوع حوزه‌های اقماری و مرتبط با سلامتی به حدی است که با وجود مسئولیت اصلی و نهایی دولت عربستان، تحقق کامل آن در گرو مساعدت بین‌المللی - به ویژه همپاری‌های اقتصادی و فنی - است. افزون بر این تعهد، کشورهای زائرپرست باید به احترام در خصوص حق سلامت نیز تعهد داشته باشند؛ بدین معنا که نباید اقداماتی انجام دهند که بر «حق بر سلامتی» افراد دیگر کشورها صدمه بزند یا مانع برخورداری از آن شود. بنابراین اعزام زائران مبتلا به بیماری‌های واگیردار یا وارد کردن داروهای خطرناک به کشور مقصد زیارت، ناقض این تعهد بین‌المللی خواهد بود.

همچنین مطابق نظر شماره ۱۴ کمیته، کشورها در موافقت‌نامه‌های خود حق بر سلامتی را - به عنوان اصلی حاکم و فراگیر - شناسایی کنند؛ به گونه‌ای که این موافقت‌نامه‌ها اثر نامطلوبی بر حق سلامتی نداشته باشد.

در آموزه‌های اسلامی نیز از «سلامت جسم و روان» به عنوان ارزشی دینی، و با تعبیری چون «نعمت قدرناشناخته و از نظر دور مانده»، «نعمتی که بی‌آن خیر در زندگی بشر نیست» (مجلسی، ۱۳۷۱، ج ۸۱، ص ۱۷۲) و... یاد شده است. این حق، گرچه در برخی مصادر روایی نعمتی پس از باور به خداوند و ایمان به او بیان شده، (قزوینی، ۲۰۰۱م، ص ۴۱۳۸) ولی نمی‌توان ملازمت و اثرپذیری آن از ایمان به خداوند را نادیده انگاشت. آیه شریفه «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵) نیز نشان از آن دارد که جهت رفتارهای حکمرانی (به عنوان امانت الهی در دست حاکمان اسلامی) باید به سویی باشد که نسبت به هیچ یک از زائران سختی و عسر در فرآیند زیارت پیش نیاید.

تمامی فقهای اسلامی به منظور تکریم سالمنده معتقدند که در جنگ با کفار، کشتن سالمندهان کافر که در حال جنگیدن با مسلمانان نیستند توسط سپاه اسلام حرام است. (رملی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۴) از این رو حفظ سلامت این گروه آسیب-پذیر در تمامی حالات - حتی در شرایط جنگی - نیز مورد اهتمام شارع است. برخی اندیشمندان مسلمان، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، تکالیف دولت اسلامی نسبت به سلامت سالمندهان را چنین عنوان کرده‌اند:

- برخورداری سالمندهان از درمان و مراقبت مطلوب در اسرع وقت، به صورت مؤثر و با احترام کامل و بدون توجه به عوامل نژادی، فرهنگی و مذهبی.
- حق آگاهی سالمنده از اعضای گروه معالج و نیز اطلاعات مربوط به بیماری خود و نیز حق آگاهی از عوارض احتمالی کاربرد شیوه‌های درمانی. (البار، ۱۴۲۹ق، ص ۱۲-۲۰)

می‌توان تعهد به احترام و اجرای حق سلامت را در ارتباط با قاعده لاضرر در گفتمان فقه سلامت دانست که در آن طبق نظر مختار، می‌توان نهی از ایراد ضرر به سلامت را استنباط کرد که در خصوص سالمندهان و با توجه به آسیب-پذیری این قشر، گستره مفهوم ضرر و بالتبع تکالیف دولت‌ها نسبت به تضمین سلامت این قشر، وسعت بیشتری می‌یابد؛ نظیر توسعه زمان زیارت برای این اقشار و تعیین مسیر یا محل ویژه برای سالمندهان زائر جهت گرفتار نیامدن در ازدحام‌های جمعیت؛ چنان‌که فراهم نیاموردن اسباب مناسب زیارت سالمندهان، در صورت وقوع موجبات مسئولیت کیفری و مدنی، می‌تواند فرض تقصیر نسبت به مدیریت زیارت را در بر داشته باشد.

۳. حق بر دریافت «رفتار به مثابه برابر»: اقدامات جبرانی دولت زائر فرست

این مفهوم را می‌توان رویکردی انتقادی به «کالایی شدن زیارت» دانست. کالایی‌سازی مستلزم وجود حقوق مالکیت بر فرآیندها و روابط اجتماعی است که بر آنها می‌توان قیمت گذاشت و به شرط قرارداد قانونی می‌توان آنها را

خرید و فروش کرد. (هاروی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۱) نگرش سود اقتصادی برای دولت میزبان و دولت فرستنده زائر می‌تواند آهنگ زیارت و مناسبات زائر را تعیین کند. وقتی زیارت قابلیت خرید و فروش پیدا کند، جامعه زیارت متاثر از ارزش‌های بازار خواهد شد که در آن، زیارت بقیع تنها نصیب افراد سرمایه‌دار - بی‌آنکه این مسئله با استطاعت در حج ارتباطی بیابد - می‌شود. این در حالی است که اگر چیزهای خوب زندگی صورت کالایی پیدا کنند، فاسد می‌شوند و ارزش و معنای خود را از دست می‌دهند. (سندل، ۱۳۹۳، ص ۶) بسط این تفکرات می‌تواند مشتری را جای زائر بنشانند و سالمند تهیدستی را که در طول عمر خود شرایط استطاعت حج نداشته، از زیارت بقیع طرد کند.

نویسنده در پی خصوصی‌سازی خدمات زیارت نیست و از دیگر سو از دخالت بیش از حد دولت نیز بیمناک است؛ ولی دولت اسلامی می‌تواند با مأموریتی اجتماعی، نابرابری‌ها را در حوزه زیارت کاهش دهد. زمینه‌های فقهی برابری‌سازی توسط حکومت اسلامی نیز می‌تواند تسهیل‌کننده این عملکرد باشد؛ توضیح اینکه بیت‌المال به جهتی اطلاق می‌شود که مالک اموال عمومی است؛ نظیر مصلحت مسلمانان (طوسی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۴۶؛ محقق ثانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۰۲) قواعد حاکم بر هزینه‌کرد بیت‌المال را می‌توان در قاعده «بیت مال المسلمین مُعدّ للمصالح العامّه» مختصر دانست. طبق این قاعده، مصلحت علت هزینه‌کرد است و حاکمیت اسلامی در صرف منابع بیت‌المال باید به این مناسبات نظر داشته باشد. همچنین با وجود نظرات مخالف (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۸۴؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶)، مراد از سهم سبیل‌الله از زکات، یا همه مصالح مسلمانان است که نفع آن به جامعه اسلامی می‌رسد (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۸؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۴، ص ۱۱۲) یا هر عمل قربی است که امید ثواب آن می‌رود. (صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۳۶۸) بنابراین می‌توان حمایت از سالمندان ناتوان از زیارت را جزو اصناف مستحق زکات قرار داد.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به جناب مالک اشتر چنین می‌فرماید:

... درباره طبقه زمینگیران و معلولان، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این جامعه معین فرموده است. بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله-های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به معلولان و محرومان اختصاص ده. همواره به فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی برمگردان.

نتیجه عدم رفتار به مثابه برابر با سالمندان، تفاوت طبقاتی در برخورداری از زیارت، احساس محرومیت طبقاتی و جاماندگی سالمندان در انتهای عمر و نسبت به تمام عمر در زیارت ائمه بقیع و از همه مهم‌تر حذف خودکار زیارت بقیع، از سبب تقاضاها (سبب مصرفی) است. به هر روی، اینکه ملاک دستیابی به زیارت بقیع، توانایی مالی خریداری این خدمات و فعالیت فرهنگی باشد، مناسب به نظر نمی‌رسد؛ چراکه در این نظام حقوقی زیارت، پول اهمیت بیشتری خواهد داشت تا حق زیارت، و قشربندی زائران نتیجه حتمی این پدیده و معلول قشربندی اقتصادی خواهد بود. در این گفتمان بازارمحور - که به تدریج در خدمات اجتماعی و رفاهی تسری می‌یابد (پروائی و موسایی، ۱۳۹۸، ص ۸۵ - زیارت بیش از آنکه به عنوان یک حق انسانی تعبیر شود، جایگاه کالا خواهد داشت. بنابراین گرچه مسئله زیارت بقیع، کنار استطاعت در حج و وجوب حج فهم می‌شود، ولی از سوی دیگر، زیارت مقوله‌ای از حق نیز در خود دارد؛ چه نسبت به خانه خدا و چه در پیوست آن نسبت به بقیع. بنابراین مداخله دولت در تحقق این حق نسبت به سالمندانی که زیارت بقیع را رؤیایی دست‌نیافتنی می‌دانند، امری بایسته، و در راستای تحقق حق برخورداری از رفتار به مثابه برابر است.

این حق، عدولی از مفهوم ارسطویی برابری است؛ چراکه این مفهوم از برابری، با توجه به نابرابری‌های گوناگون میان انسان‌ها (جسمی، جنسیتی و...)، برابری را به نقیض آن بدل می‌کرد. این مفهوم، زمینه را برای تبعیض مثبت یا معکوس به نفع سالمندان فراهم می‌کند؛ به معنای گروهی از ساختارها، چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های قانونی و اجرایی که می‌توانند به طور دائم یا در

دوره‌هایی خاص به کار گرفته شوند تا یک گروه اجتماعی، سیاسی، دینی، جنسیتی و جسمی ویژه (نظیر سالمندان) را از موقعیتی نامطلوب نسبت به کل جامعه مربوطه خارج کند و به صورتی شتاب‌یافته امکانات رشد و شکوفایی بیشتری به آن گروه بدهند. (فرجی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۰)

مبنای این حق را می‌توان در «اقتضای اصل عدم تبعیض» (و نه منطوق اصل در بند ۱ ماده ۵ میثاق حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) دانست. بر اساس این اصل، شرط تمتع از حقوق بشر، عدم تبعیض است. بنابراین گرچه در خصوص سایر گردشگران بتوان گفت کشورها در صدور روایید نسبت به ورود گردشگران، به استناد اصل حاکمیت دولت دارای صلاحیت تشخیصی هستند، ولی در مورد میراث بقیع و با توجه به اشتراکی بودن این سرزمین از حیث مبنای فقهی (و نیز امکان پیگیری ثبت بقیع به عنوان منطقه بین‌المللی (قائم، ۱۳۹۹، ص ۹۹)، نمی‌توان صلاحیت دولت عربستان را در صدور روایید - به منظور زیارت بقیع - مطلق دانست؛ حتی در صورت اطلاق این صلاحیت نیز دولت عربستان، پس از صدور روایید، متعهد به تضمین ضرورت‌های حقوقی گردشگران مذهبی خواهد بود.

البته این پرسش مهم نیز جای طرح دارد که آیا رفتار به مثابه برابر در خصوص سالمندان، اقتضا خواهد داشت که ظرفیت زیارت بقیع به سالمندان تخصیص یابد؟ این موضوع، خود بسته به عدالت بین نسل‌هاست و باید منابع را بین گروه‌های سنی مختلف توزیع کرد؛ ولی مهم‌تر از آن، می‌توان مسئله اولویت دادن به نیاز سالمندان را با بررسی واقع‌گرایانه در سطح نیازهای گروه‌های سنی مختلف متقاضی زیارت پاسخ داد. به این نکته نیز باید توجه داشت که اخلاق بزرگداشت سالمند نیاز دارد که در روابط انسانی، حتی بین نسل‌ها، ورای عدالت محض باشد.

۴. حق شرکت در مراسم جمعی دینی

از جمله محدودیت‌هایی که در رویه دولت عربستان نسبت به حق زیارت سالمندهان وجود دارد، برگزاری مراسم‌های جمعی دینی در بقیع است؛ در حالی که سالمندهان به شنیدن روضه اهل بیت یا قرائت جمعی دعا علاقه دارند و نیز به دلیل ناتوانی در مطالعه ادعیه، تمایل به شنیدن دعا دارند. طبق قواعد حقوقی، افزون بر آنکه این حق برای تمام زائران بقیع ثابت است، برای سالمندهان از اهمیت ویژه‌تری برخوردار خواهد بود؛ چراکه از وجوه تأثیرگذاری مذهب بر احساس رضایت سالمنده از زندگی، برخورداری از خوش‌بینی و حمایت دیگران با شرکت در مراسم جمعی دینی است. (Lee & Sharpe, 2007, 63)

مؤلفه رضایت سالمنده از زندگی، به معنای نگرش فرد و ارزیابی عمومی از کلیت زندگی خود یا برخی جنبه‌های زندگی (Lu et al, 2015, 73) نیز بر این مطلب صحنه می‌گذارد؛ به بیان دیگر هرچه شکاف میان سطح آرزوهای فرد و وضعیت عینی او بیشتر شود، رضایتمندی - و به تبع سلامت روان او - کاهش می‌یابد. در مقابل، حمایت اجتماعی افراد و دولت‌ها از سالمنده می‌تواند عامل تعدیل‌کننده مؤثری در مقابله و سازگاری با شرایط استرس‌زای زندگی سالمنده باشد. (Pilar & Bethencourt, 2016, 208; Muckenhuber et al, 2012, 865)

این رضایتمندی و حمایت تا حد زیادی متأثر از جهت‌گیری مذهبی و نیاز به برآورده شدن اهداف و تمایلات سالمنده است؛ از جمله نیاز به حضور در مراسمات جمعی، استماع روضه و مصائب، نیایش‌ها و مناجات‌های گروهی، حس تملک در زیارت، مصونیت از آزار دیگران در حین زیارت، ترسیم حق حریم خصوصی زائر، برداشتن تبرکی از محیط زیارت (از جمله خاک) و

همچنین عبادت جمعی سالمنده در قالب زیارت ائمه بقیع، هم‌راستای «کمال‌گرایی حکومت اسلامی» و زمینه‌ساز تحقق حق سعادت اخروی سالمندهان است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۹۰) در حقیقت، گرچه مطالعات انجام‌شده بر روی نمونه‌های زائران و قشر مذهبی سالمنده در کشورهای آفریقا، آمریکا

(Krause, 2004, 110) و آسیا (Yoon & Lee, 2007, 290)، سطح کیفیت زندگی را میان این سالمندان به نسبت سالمندان غیر مذهبی بالاتر نشان می‌دهد، ولی از سوی دیگر ناهماهنگی بین اهداف و تمایلات مذهبی و نیاز به برآورده شدن این اهداف و تمایلات - که بیشتر به دلیل وجود مسائل و مشکلات خاص پدید می‌آید - در بروز نارضایتی از زندگی تأثیرگذار است. زائر سالمند، با وجود جهت‌گیری مذهبی درونی، جهت‌گیری مذهبی بیرونی یا همان اعمال معنوی و مناسک پذیرفته‌شده شریعت را ابزاری برای تقرب و دستیابی به آرامش می‌داند و با توجه به درهم‌تنیدگی این دو جهت‌گیری (Park & Roh, 2012, 645)، در مواجهه با محدودیت‌های غیر موجه زیارت بقیع، آنها را بر نمی‌تابد.

۵. حق بر دریافت تخفیف (تسامح)

عقلا معتقدند گرچه ناتوانی نسبت به انجام دادن تمام افراد یا تمام اجزا موجب ترک جملگی آن عمل نخواهد شد (المیسور لا یسقط بالمعسور؛ ما لا یدرک کله، لا یترک کله)، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۵۴۸) ولی بازخواست نسبت به مقدار فوت‌شده به دلیل ناتوانی، قبیح است. این گزاره، مطلبی برآمده از قاعده قبح تکلیف مالایطاق و قاعده عسر و حرج است و این احکام تخفیفی مبتنی بر آیات شریفه ﴿لَا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (بقره: ۲۸۶) و ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَیْكُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرْجٍ﴾ (بقره: ۱۸۵) است. بنابراین استطاعت در ادای تکالیف، شرطیت دارد؛ ولی در مستحبات حتی همین مقدار هم در خصوص استطاعت بیان نشده است.

همچنین در مورد دامنه قاعده المیسور از حیث شمولیت در مورد واجبات و مستحبات، اختلاف وجود دارد: عده‌ای به جریان قاعده در خصوص هر دو مورد قائلند و عده‌ای معتقدند شامل مستحبات نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۵۴۵) البته این اختلاف در صورتی که مراد از روایت، «عدم

سقوط المیسور بما له من الحکم» باشد، جایی نخواهد داشت؛ زیرا در این صورت قطعاً شامل واجبات و مستحبات می‌شود. (آخوند خراسانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۹)

بنابراین به نظر می‌رسد حتی با فرض مشروعیت برخی ممنوعیت‌های اعمال‌شده از سوی مدیریت بقیع، برخوردهای شدید و امنیتی با برخی رفتارهای سالمندان - که برخی از آنها نیز ناشی از شرایط سنی و از روی ناآگاهی است - چندان موجه نباشد؛ نظیر: تجمع مقابل درهای بقیع هنگام نمازهای جماعت، خواندن روضه‌های حساسیت برانگیز و احیاناً با صدای بلند، نماز خواندن مقابل درهای بقیع و همچنین داخل بقیع، نوحه‌خوانی، خواندن دعای توسل و زیارت عاشورا به صورت دسته‌جمعی و با صدای بلند در بقیع، روشن کردن شمع و پهن کردن سفره‌های نذری، بستن دخیل به شبکه‌های بقیع، برداشتن خاک و سنگ و گندم از بقیع، انداختن عریضه، پول، لباس، پارچه و ... روی قبور، مالیدن پارچه‌های کفنی و غیره به شبکه‌های اطراف بقیع جهت تبرک و ...

۶. حق زائر سالمند بر حریم خصوصی

در قبرستان تاریخی بقیع، گاه تبلیغاتی دینی به زبان‌های گوناگون عرضه می‌شود که جدای از نقض آزادی عقیده زائران شیعه، حریم خصوصی اعتقادی و فکری زائر را نقض می‌کند. مفهوم حریم خصوصی در مورد زائران، سپری در مقابل کنجکاو‌های بی‌مورد پلیس و مبلغان جای‌گذاری‌شده از سوی مدیریت بقیع و نیز مداخله‌های دیگران است. حریم خصوصی زائر، عرفاً قلمروی زندگی زائر است که او انتظار دارد دیگران در آن قلمرو، وی را مورد تعرض قرار ندهند و سعی می‌کند آن را حفظ کند و با پوششی از حمایت آن را احاطه کند. (الاهوانی، ۱۹۷۸م، ص ۴۶) در واقع خلوت ساخته‌شده با مزور (امام) و نجوا و دعایی که با امام بیان می‌شود، حریم خصوصی زائر است که «حق پنهان

کردن آن را دارد» (Smarrt, 2014, 35) و «آن را از سوی دیگران غیر قابل تسخیر می‌داند». (Brandeis, 1890, 28)

گرچه پیش‌ترها خصیصه حریم خصوصی در «پنهان بودن از دید ظاهری و مستقیم اشخاص» تبلور داشت، ولی نمی‌توان تأثیر عوامل فرهنگی، اوضاع و احوال و مقطع تاریخی را بر محدوده مفهومی حریم خصوصی انکار کرد (Banisar, 2006, 2) و به نظر می‌رسد حریم خصوصی یا همان حق بر خلوت (حق تنها ماندن یا حق بر عالم صمیمیت انسان^۱)، برای زائر و به ویژه زائر سالمند (با توجه به اقتضانات روحی-روانی خاص او) ضرورتی انکارناپذیر دارد. حق خلوت زائر متضمن یک پناهگاه امن یا منطقه حفاظت‌شده برای اوست که در آن بتواند فارغ از آزارهای نیروهای امنیتی یا دخالت‌های دیگران، با امام خود خلوت کند.

حق حریم خصوصی زائر سالمند، افزون بر آنکه مقتضای کرامت اوست، بر قواعد و انگاره‌های اسلامی بنا شده است؛ توضیح اینکه ماهیت اشتراکی بقیع، علاوه بر قابلیت عام، قابلیت خاص برای بهره‌مندی از «حق خلوت» و خصوصی شدن دارد. بنابراین شخص سالمند مجاز است تا موقعیتی را برای «خلوت» خود انتخاب کند و از این حق برخوردار خواهد بود. این تحلیل می‌تواند مبتنی بر «قاعده من سبق» به عنوان قاعده فقهی و عقلایی باشد. افزون بر اینها، در صورتی که تردیدی در صدق مفهوم حریم خصوصی و احکام آن بر «خلوت زائر سالمند» باشد، اصل عدم ولایت دیگری در حریم خصوصی زائر سالمند است. همچنین در صورت شک در جواز و اباحه نقض حریم سالمند، باید اصالت عملی را بر احتیاط قرار داد؛ همچنان‌که احتیاط در این موارد، موجب عسر و حرج نیز نیست. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۲۲)

۱. رک: قائمی فرق، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲.

البته برخی اقتضائات حق خلوت سالمند نیز در راستای حقوق دیگر زائر سالمند است؛ توضیح اینکه یکی از مقدمات حراست از حریم خصوصی زائر سالمند، فراهم کردن استقلال وی از طریق مناسب‌سازی و امکان دسترسی به زیارت و فراهم کردن مقدمات مستحب زیارت بدون کمک گرفتن از دیگران و راه دادن دیگران به خصوصی‌ترین حریم است.

نتیجه‌گیری

اسلام، در مقام ناهمسویی با سنت دوگانه‌سازی «سالمند» و «غیر سالمند» در برخورداری از حق‌ها در ساحت گردشگری، یکی از وظایف نظام حقوقی را حمایت از قشر زوار سالمند می‌داند. از این رو نظام هنجارهای حقوقی سالمندان گردشگر با دیگر گردشگران، اصولاً تفاوت ماهوی ندارد. بنابراین حق‌های بیان‌شده در این نوشته، یا در پی بیان اقتضائات متفاوت و لوازم خاص حق‌ها در خصوص سالمندان زائر است یا برخی حق‌های مازاد بر حق‌های عادی را به جهت ماهیت جبرانی برای سالمندان زائر مقرر می‌دارد. بر همین اساس حق سلامت زائر سالمند، گرچه همان اقتضائات حق سلامت برای سایر زائران را در پی دارد، ولی تفاوت‌هایی نیز درون آن لحاظ می‌شود؛ از جمله آنکه در عین توجه به اصل استقلال و کرامت سالمند، رُویه دیگر حق بر سلامت زائر سالمند، وجوب عینی دولت عربستان به تأمین سلامت زائر و تعهد به مشارکت و مساعدت دولت ایران و نیز وجوب کفایی تأمین سلامت زائر سالمند بر سایر زائران است. در مقابل، تخصیص اولویت زیارت به سالمندان، تأمین شرایط زیارت دسته‌جمعی، توجه به طاقت سالمندان در ممنوعیت‌های موضوعه عربستان در بقیع و حریم خصوصی سالمند، از حق‌های بنیادین سالمند در زیارت است. همچنین حق بر دریافت رفتار به مثابه برابر، اقتضای آن را دارد که با کالایی‌سازی زیارت، سالمندان تهیدست از تجربه زیارت بقیع طرد نشوند.

منابع

قرآن کریم

کتب

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۰۹ق)، کفایة الاصول، چاپ سوم، قم، مؤسسه آل البيت.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۱۱ق)، معجم مقایس اللغة، چاپ دوم، بیروت، دارالجيل.
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، (۲۰۰۱م)، سنن ابن ماجه، چاپ اول، بیروت، دار ابن حزم.
۴. احمدی، محمدرضا (۱۳۸۸)، بررسی ابعاد روان‌شناختی مناسک حج و اثربخشی آن بر سطح دینداری و سلامت روانی حجج، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵. الاهوانی، حسام‌الدین کامل (۱۹۷۸م)، الحق فی احترام الحیاة الخاصة، چاپ اول، قاهره، دارالنهضة العربیه.
۶. البار، محمد علی (۱۴۲۹). الطیب؛ ادبه و فقهه، چاپ اول، دمشق، دارالقلم.

۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
۸. خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). تحریر الوسیلة، چاپ دوم، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۹. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، چاپ سوم، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ چهارم، تهران، مکتبه المرتضویه.
۱۱. رائی، مهدی (۱۳۸۲)، رابطه گرایش دینی با عزت نفس و خودکارآمدی در دانش آموزان شهر تبریز، پایان‌نامه، کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
۱۲. رملی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، نهاية المحتاج، چاپ سوم، دمشق، المکتب الاسلامی.
۱۳. سندل، مایکل (۱۳۸۳)، آنچه با پول نمیتوان خرید: مرزهای اخلاقی بازار، چاپ اول، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی

- ۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، چاپ سوم، قم، دارالشریف الرضی للنشر.
۱۵. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ اول، بیروت، دار الكتاب العربی.
۱۸. _____، (۱۴۱۴ق)، الآمالی، چاپ اول، قم، دارالثقافة.
۱۹. _____، (۱۴۲۸ق)، مبسوط، چاپ دوم، قم، نشر اسلامی.
۲۰. عاملی موسوی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ سوم، قم، آل البيت لاحیاء التراث.
۲۱. غلامی پاجی، علی و یزدی، خدیجه (۱۳۸۷)، مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با سالمندان، چاپ اول، تهران، انتشارات فکرسازان.
۲۲. فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، ایضاح الفوائد، چاپ اول، تهران، کوشانپور.
۲۳. قائمی خرق، سیدمحسن (۱۳۹۷)، سیاست‌های کلی گردشگری جمهوری اسلامی ایران بر پایه الگوی حقوقی، اقتصادی و جامعه‌شناختی اسلام، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، منتشر نشده.
۲۴. کسوله، عمر احمد (۱۳۸۴)، «جهانشمولی حقوق بشر در مقابل تنوع فرهنگی، پاسخی از دیدگاه اسلام»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مبانی نظری حقوق بشر دانشگاه مفید، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه شیخ مفید علیه السلام.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ پنجم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۰۸ق)، جامع المقاصد، چاپ اول، قم، آل البيت.

۲۸. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)،
 التحقیق فی کلمات القرآن الکریم،
 چاپ اول، تهران، مرکز کتاب لترجمة
 و النشر.
۲۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)،
 الإشراف فی عامة فرائض الإسلام، قم،
 کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۳۰. مقصودنیا، شهربانو (۱۳۸۵)،
 مراقبت‌های بهداشتی اولیه در
 سالمندان ایران، چاپ اول، تهران،
 انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و
 توانبخشی با همکاری سازمان بهداشت
 جهانی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران
 (۱۳۷۸ش)، تفسیر نمونه، چاپ دوم،
 تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. هاروی، دیوید (۱۳۸۱)، تاریخ
 مختصر ثولیرالیسلم، چاپ اول، ترجمه
 محمود عبدالله‌زاده، تهران، نشر دات.
 مقالات
۱. بهروان، حسین (۱۳۸۰)، «جامعه-
 شناسی زیارت با تأکید بر نیازهای
 زائران در حرم امام رضا (ع)»، مشکوة،
 شماره ۷۲ و ۷۳، ص ۱۰۲-۱۲۶.
۲. پروائی، شیوا و موسایی، میثم
- (۱۳۹۸)، «طردشدگی سالمندی در
 ساحت سیاستگذاری اجتماعی؛ تحلیلی
 بر برنامه‌های توسعه پس از انقلاب»،
 مسائل اجتماعی ایران، شماره ۲،
 ص ۸۰-۹۳.
۳. حسینی، سیده لطیفه و محمدزاده،
 ناهید (۱۳۹۹ش)، «ابزارهای تضمین حق
 سلامت حجاج در آموزه‌های فقهی و
 اسناد حقوق بشری»، پژوهشنامه حج و
 زیارت، سال ۵، شماره اول، پیاپی ۹،
 ص ۱۲۹-۱۵۵.
۴. فرجی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «مطالعه
 تطبیقی اصل عدم تبعیض بر مبنای
 معلولیت در حوزه اشتغال»، حقوق
 پزشکی، شماره ۲۹، ص ۱۶۷-۱۹۵.
۵. قائمی خرق، سیدمحسن (۱۳۹۹)،
 «زیارت بقیع؛ مطالعه عملکرد کشور
 عربستان در پرتو نظام بین‌المللی حقوق
 بشر»، پژوهشنامه حج و زیارت، سال
 ۵، شماره دوم، ص ۹۹-۱۲۵.

منابع انگلیسی

1. ALGhamdi SM, Akbar HO, QariYa, Fathaldin OA, ALRashed RS (2003). "Pattern of admission to hospitals during Muslim pilgrimage". *Saudi Med J*, 24, 1073-6.
2. ALMazrou YY (2004). "Food poisoning in Saudi Arabia. Potential for prevention", *Saudi Med J*, 25, 1, 11-4.
3. Banisar, david (2006). "ARTICLE 19: Global Campaign for Free Expression, Human Rights in the Global Information Society" *Jørgensen,ed., MIT Press*, Available in: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2069914
4. Barrera TL, Zeno D, Bush AL, Barber CR, Stanley MA (2012). "Integrating religion and spirituality into treatment for late-life anxiety: Three case studies". *Cognitive and Behavioral Practice*, 19. 2, 346-358.
5. Bauman, Z (1996). *from Pilgrim to tourist – or a short History of identity*. In s. Hall, & P.D. Gay, *Questions of Cultural Identity*, London, Sage Publications.
6. Brandeis, Louis D. and Samuel D. Warren (1890). "The Right To Privacy", *Harvard Law Review*, V. IV, 5, 25-40.
7. Eide, Absyorn and others (1995). *Economic, Social and Cultural Rights as Human Rights*, Published by Kluwer
8. Frolik, A (1999). *Aging and the Law: An Interdisciplinary Reader*. Temple University Press.
9. Ghosheh, Naj (2008). "Age Discrimination and Older Workers: Theory and Legislation in Comparative Context,

- International LabourOfficeGeneva, Conditions of Work and Employment Program", *Conditions of Work and Employment Series*, 20, 1-30.
10. Harvey, D (2008). "The Right to the City", *New Left Review* 53, 1-30.
11. Hillgenberg, Hurtmut (1999). "A Fresh Look at Soft Law", *European Journal of International Law*, 1999, 10, 499-515.
12. Kaszowski, L (2000). "Methodology of Pilgrime-Peregrinus", *Cracoviensis*, 10, 75-82.
13. Koenig, H. G (2012). "Religion, spirituality, and health: The research and clinical implications". *International Scholarly Research Network*, 23, 2, 1-33.
14. Kofman, E. Lebas, E (1996). *Writing on Cities*, Oxford, Blackwell publisher
15. Krause N (2004). "Common facets of religion, unique facets of religion. and life satisfaction among older African Americans". *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 59, 2, 109-17.
16. Kyle,G., Graefe, A., Manning, R. and Bacon, J (2004). "Effect of Activity Involvement and Place Attachment on Recreationists" *Perceptions of Setting Density, Journal of Leisure Research*, 36, 2, 209-231.
17. Lee EK, Sharpe T (2007). "Understanding religious/spiritual coping and support resources among African American older adults: A mixed-method approach", *Journal of Religion, Spirituality*

- & *Aging*, 19, 3, 55-75.
18. Lu M, Yang G, Skora E, Wang G, Cai Y, Sun Q, et al (2015). "Self-esteem, social support, and life satisfaction in Chinese parents of children with autism spectrum disorder", *Research in Autism Spectrum Disorders*. 17, 70–77.
19. Martnez, Javier (2005). Monitoring Intra Urban Inequalities With GIS Based Indicators: With A Case Study In Rosario, Argentina, Utrecht University.
20. Moberg DO (2008). "Spirituality and aging: Research and implications: sociology", *Journal of Religion, Spirituality & Aging*, 20, 1-2, 95-134.
21. Molling P, Backman A, Olcen P, and Fredlund H (2001). "Comparison of serogroup W135 meningococci isolated in Sweden during a 23-year period and those associated with a recent Hajj pilgrimage", *Journal of clinical microbiology*, 39, 7, 2695-2699.
22. Morgan, Leslie A., Kunkel, Suzanne R. (2007) *Aging, Society, and the Life Course*, New York, Springer Publishing Company.
23. Muckenhuber J, Stronegger WJ, Freidl W (2012). "Social capital affects the health of older people more strongly than that of younger people". *Ageing and Society*. 33, 5, 853–70.
24. Pargament KI, Koenig HG, Perez LM (2000). "the many methods of religious coping: development and initial validation of the RCOPE." *JclinPsychol*, 56, 4, 519–543
25. Park J, Roh S, Yeo Y (2012). "Religiosity, social support, and life satisfaction among elderly

- Korean immigrants", *Gerontologist*, 52, 5, 641-9.
26. Phillips, Judith; Ajrouch, Kristine and Hillcoat-Nallétamby, Sarah (2010). *Key Concepts in Social Gerontology*, London, SAGE Publications Ltd.
27. Pilar Matud M, Bethencourt JM, Ibáñez I (2016). "Relevance of genderroles in life satisfaction in adult people". *Personality and Individual Differences*. 70, 206–211.
28. Smartt, Ursula (2014). *Media & Entertainment Law*, London, Routledge.
29. Song, H., Veen, R., Li, G. and Chen, J.L (2012). "The Hong Kong Tourist Satisfaction Index", *Annals of Tourism Research*, 39, 1, 435-460.
30. The Convention on the Rights of Persons with Disabilities Training Guide, Professional Training Series No. 19. (2014). United Nations Publication, Sales No. E.14.XIV.2, New York and Geneva.
31. Toebes, Brigit (1999). Towards an Improved understanding of the International Human Right to Health, 21 HRQ 661, / 170
32. Yoon DP, Lee EKO (2007). "The impact of religiousness,spirituality. and social support on psychological well-being among older adults in rural areas", *Journal of Gerontological Social Work*, 48, 4-3, 281-98.
33. Zhang LF (2015). *Erikson's theory of psychosocial development*. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (2nd Ed.)

